

مدرسه‌سیار

دکتر زهرا بازرگان

وسایله‌ای برای مقابله با مشکلات تحصیلی دانش آموزان محروم حاشیه‌شهرها

در ایران مانند برخی از کشورهای دیگر جهان، حاشیه شهرهای بزرگ و پرجمعیت غالباً از مهاجرین مناطق روستایی یا شهرهای کوچک پوشیده شده است. مهاجرینی که در اکثر موارد با مشکلات عدیده اقتصادی و اجتماعی روبرو هستند.

بزرگسالان و نوجوانان ساکن در این مناطق یا عمدتاً به مدرسه نرفته‌اند و یا به علت ناتوانی مدارس منطقه در حفظ و نگهداری دانش آموزان، با ترک تحصیل زودرس، از این نهاد مهم اجتماعی روی برتافته‌اند.

بررسی روابط میان اولیاء و مربیان در مناطق پرجمعیت و محروم شهرها نشان دهنده ارتباط محدود و حتی گاه مقابله‌ای این دو نهاد تربیتی است.

مدرسه‌سیار وسیله مناسبی برای بررسی و شناخت وضعیت ساکنان محله‌های حاشیه‌ای شهرها و یا پاسخگویی به نیازهای آموزشی و پرورشی بخش عمده‌ای از ساکنان این نوع مناطق است.

مدرسه‌سیار می‌تواند به راهنمایی نوجوانانی پردازد که از نظارت و هدایت لازم مدرسه و خانواده برای موفقیت تحصیلی برخوردار نیستند و برای ادامه تحصیل نیازمند آگاهیهای بیشتر در زمینه امکانات تحصیلی و حرفه‌ای می‌باشند.

بسیاری از معلمان مناطق محروم، عدم همکاری اولیاء را نشانه بی تفاوتی و بی علاقه‌گی ساکنان این مناطق به امور تحصیلی فرزندانشان تلقی کرده، خانواده را مسؤول مشکلات تحصیلی و رفتاری دانش آموزان معرفی می‌نمایند.

و مجهز شده است. این دفتر کوچک سیار حامل معلم باتجربه‌ای است که قبلاً شناخت لازم در زمینه مسائل و مشکلات فرهنگی-اجتماعی منطقه مورد نظر و چگونگی پاسخگویی به نیازها و انتظارات ساکنان منطقه را به دست آورده است.

مینی‌بوس سیار هر روز صبح به طرف حاشیه شهر حرکت کرده، در محل ثابتی مثلاً در کنار میدان اصلی محله، مرکز خرید یا محل پررفت و آمد دیگری توقف می‌نماید تا معلم و محققانی که در این دفتر حضور دارند به نیازهای آموزشی و اجتماعی اولیای دانش‌آموزان یا نوجوانان منطقه پاسخ گویند.

روابط خانه و مدرسه در محله‌های محروم و در حاشیه شهرها

پژوهشهایی که در چند دهه اخیر در زمینه تأثیرات همکاری خانه و مدرسه بر پیشرفت

این افراد که به علت تفاوت‌های فرهنگی و کمبود سواد، مهارت‌های ارتباطی لازم را برای رفع نیازهای تحصیلی یا اداری خود و فرزندان‌شان به دست نیاورده‌اند، در بسیاری از موارد در مقابل مسائل و مشکلات روزمره، سیاست تسلیم و گوشه‌گیری را در پیش می‌گیرند و از امکانات بالقوه‌ای که در هر جامعه برای پیشرفت و موفقیت فردی و اجتماعی وجود دارد کمتر استفاده می‌کنند.

از جمله تدابیری که در برخی از کشورها از جمله فرانسه و بلژیک برای مقابله با افت و ترک تحصیل دانش‌آموزان و نوجوانان مناطق محروم و در کمک به مشارکت اجتماعی ساکنان این مناطق به کار گرفته می‌شود، طرح "مدرسه سیار" است.

مدرسه سیار، مینی‌بوسی است که به صورت یک دفتر کوچک با یک میزکار، چند صندلی، قفسه‌ای از کتابهای مختلف و سایر لوازم مورد نیاز یک دفتر ساده تغییر شکل یافته



در این موارد خانواده که خود را در معرض قضاوت مدرسه می‌بیند برای فرار از این نوع ارزیابی، تا آنجا که می‌تواند ارتباط خود را با مدرسه محدود می‌کند.^۳ از طرفی بررسی نیازها و انتظارات اولیای مناطق محروم عمدتاً نشانگر این واقعیت است که آنان اهمیت فوق‌العاده‌ای برای مدرسه به عنوان مهمترین وسیله ارتقای اجتماعی قائلند و از مدرسه انتظار دارند که علاوه بر ارتقای دانش، رسالت تربیت فرزندان آنان را به عهده گرفته، کمبودهای فرهنگی و تربیتی خانواده را نیز جبران نماید.

این قبیل اولیاء در آرزوی موفقیت تحصیلی فرزندانشان انتظار دارند که مدرسه محیطی باز و دعوت کننده باشد تا آنان بتوانند بدون ترس از اینکه مورد قضاوت یا پیشداوری قرار گیرند، آگاهی و شناخت لازم را در مورد انتظارات، برنامه‌ها، رشته‌های تحصیلی و امکانات آموزشی و پرورشی مدرسه کسب کنند و در مورد کمک‌هایی که خانواده می‌تواند در جهت تسهیل موفقیت فرزندان انجام دهد، راهنمایی شوند.

با اینکه نتایج تحقیقات در زمینه ارتباط بین خانه و مدرسه علاوه بر تأکید بر لزوم و اهمیت همکاری بین این دو نهاد نشان‌دهنده تمایل و علاقه هر دو طرف به ایجاد رابطه‌ای نزدیک است، ارتباط سازنده، بین خانه و مدرسه به خصوص در مناطق محروم به ندرت برقرار می‌شود و دانش‌آموزان پرمسأله این مناطق کمتر از آثار مثبت مشارکت بین اولیاء و مربیان خود بهره‌مند می‌گردند.

تحقیقات انجام شده این نتیجه را به دست می‌دهد که همکاری واقعی بین خانه و مدرسه کار ساده‌ای نیست و لازمه انجام این همکاری

تحصیلی و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان صورت گرفته است غالباً به رابطه مثبت و معنی‌داری بین متغیرهای فوق تأکید داشته است.^۱ در حالی که بررسی روابط بین اولیاء و مربیان در مناطق پرجمعیت و محروم شهرها عمدتاً نشان دهنده ارتباط محدود و حتی گاه مقابله این دو نهاد تربیتی است. به نظر بسیاری از معلمان این مناطق، همکاری و مشارکت واقعی بین خانه و مدرسه وجود ندارد. معلمان غالباً عدم همکاری اولیاء را به عنوان نشانه‌ای از بی‌تفاوتی و بی‌علاقگی ساکنان این مناطق به امور تحصیلی فرزندان نشان تلقی می‌کنند و خانواده را مسؤول مشکلات تحصیلی و رفتاری دانش‌آموزان معرفی می‌نمایند.

نتایج پژوهشهایی در زمینه بررسی نگرش و انتظارات اولیاء از مدرسه براین واقعیت تأکید دارد که ساکنان مناطق محروم به علل مختلف از جمله تفاوت زبان، فرهنگ و سواد، خود را هم سطح با مسؤولان مدرسه نمی‌بینند و غالباً از نزدیک شدن به مدیر و معلمان و بیان نیازها و انتظارات خود احتراز می‌کنند.^۲ این افراد معمولاً آگاهی لازم را در مورد مدرسه، روشهای تدریس، معیارهای ارزشیابی، رشته‌های تحصیلی، مقررات و به طور کلی امکانات و انتظارات مدرسه ندارند. تماس مدرسه با اولیاء نیز اغلب زمانی انجام می‌گیرد که فرزندان آنان دچار مشکلات درسی و رفتاری می‌شوند و معلمان با احضار اولیاء سعی می‌کنند همکاری لازم را برای رفع کمبودهای دانش‌آموزان جلب کنند. غافل از اینکه این نوع تماسها که همراه با انتقاد از دانش‌آموز و عملکرد نامناسب تحصیلی یا رفتاری اوست، به احساس شرم و حقارت اولیاء منتهی می‌گردد.

در مقایسه با محله‌های مرکزی تهران است. مهاجرین ساکن در این مناطق در ورود به تهران به علت عدم شناخت محیط، نظام آموزشی و مقررات مدرسه، غالباً سرگردان هستند و در مورد تحصیل و تربیت فرزندان خود دچار مشکلات فراوانی می‌شوند.

بسیاری از آنان از رشته‌های تحصیلی و امکانات شغلی و حرفه‌ای بی‌خبرند و در رویارویی با افت تحصیلی و مشکلات رفتاری فرزندان خود که می‌تواند واکنشی در مقابل تضادهای فرهنگی، کمبودهای اقتصادی و احساس ناامنی باشد، از روشهای مطلوب تربیتی اطلاع چندانی ندارند. به عنوان مثال اولیای این مناطق به علت کمبود سواد غالباً نه

شناخت امکانات و تواناییهای بالقوهٔ هریک از دو نهاد، برنامه‌ریزی دقیق برای برقراری ارتباط و سپس تلاش مداوم در جهت حفظ و تداوم ارتباطات می‌باشد.^۲

امکان کاربرد مدرسهٔ سیار در تهران

شهر تهران به عنوان مرکز کشور، از شهرهایی است که به علت دارا بودن جاذبه و امکانات فراوانتر نسبت به سایر نقاط ایران، پذیرای میلیونها مهاجر از روستاها و شهرهای مختلف است. بررسی بافت اجتماعی مناطق مختلف حاشیه‌ای این شهر نشان‌دهندهٔ تفاوت فرهنگی و حتی زبان و گویش ساکنان این مناطق



برخوردار نیستند و برای ادامه تحصیل نیازمند آگاهیهای بیشتر در زمینه امکانات تحصیلی و حرفه‌ای می‌باشند. مدرسه‌سیار می‌تواند دارای اهداف کاربردی و پژوهشی به شرح زیر باشد:

۱- اهداف کاربردی: اهداف کاربردی شامل هدفهای فوری، میان مدت و درازمدت است.

هدفهای فوری: مدرسه‌سیار می‌تواند پاسخگوی نیازهای فوری آموزشی و پرورشی بخش عمده‌ای از ساکنان این مناطق از شهر باشد. به طور مثال کمک در نوشتن نامه‌ای به مدرسه یا منطقه آموزشی، توضیح و تشریح آیین‌نامه‌ها و مقررات آموزشی یا آگهی‌های چاپ شده در روزنامه‌ها در ارتباط با امور آموزشی، کمک در تنظیم بودجه خانواده، تأمین آگاهیهای لازم در زمینه سلامت و بهداشت خانواده، ایجاد شرایط مناسب در خانه برای انجام تکالیف درسی و ...

هدفهای میان مدت: هدفهای میان مدت شامل ارائه خدمات آموزشی عمیقتر و مشخص‌تر است. به عنوان مثال آموزش برخی مفاهیم ضروری در زمینه خواندن، نوشتن و حساب کردن، آشنا کردن مراجعان با کتابهای متناسب با شرایط خاص آنان، توزیع کتب و نشریات تربیتی و ...

هدفهای درازمدت: در این زمینه می‌توان اطلاعات گسترده‌ای در مورد مشاغل مختلف، دوره‌های آموزشی موجود برای کسب مهارت‌های مورد نظر و امکانات استخدام به مراجعان ارائه داد و بدین وسیله به مشارکت اجتماعی ساکنین منطقه کمک کرد.

اهداف پژوهشی: مدرسه‌سیار می‌تواند

تنها از نوشتن یک نامه ساده به منطقه آموزشی، مدرسه یا معلم فرزند خود عاجزند، بلکه در بسیاری از مواقع فاقد جرأت و جسارت کافی برای مراجعه به مدرسه یا اداره و پرس و جو از افرادی هستند که از آنان از نظر سواد، معلومات و موفقیت اجتماعی در سطح بالاتر قرار دارند. طرح "مدرسه‌سیار" به عنوان یک طرح دانشگاهی یا پروژه مشترک بین آموزش و پرورش و دانشگاه می‌تواند به صورت یک طرح تجربی با حداقل مخارج در یک یا چند منطقه حاشیه‌ای شهر تهران عملی گردد.

هر مینی‌بوس می‌تواند حامل یک آموزگار، یک محقق دانشگاهی (مجری طرح)، یک دانشجوی کارورز یا همکار مجری طرح باشد. هزینه‌های طرح شامل تجهیز مینی‌بوسی به صورت دفتر سیار، مخارج بنزین، حق التحقیق مجریان طرح و سایر هزینه‌های متفرقه است. هزینه فوق را می‌توان از طریق مشارکت دانشگاه مجری طرح و یکی از مناطق آموزش و پرورش تأمین کرد.

هدفهای اساسی مدرسه‌سیار

مدرسه‌سیار می‌تواند دارای اهداف متنوعی براساس ارائه حداقل خدمات برای اولیایی باشد که نمی‌توانند مستقلاً امور تحصیلی مربوط به فرزندان خود را اداره نمایند، به عنوان مثال اولیایی که فرزندانشان دچار مشکلات تحصیلی هستند و یا در شرف ترک تحصیلند.

مدرسه‌سیار همچنین می‌تواند به راهنمایی نوجوانانی بپردازد که از نظارت و هدایت لازم مدرسه و خانواده برای موفقیت تحصیلی

شود که اقدامات و تدابیر لازم برای پیشگیری از این پدیده صورت گیرد. به عنوان مثال می توان جزوات و بروشورهای ساده و مناسبی برای راهنمایی اولیاء در جهت پیشگیری از ترک تحصیل فرزندان و چگونگی کمک به موفقیت تحصیلی آنان تهیه کرد و یا جلسات متعددی در مدرسه یا محله برای آگاهی آنان ترتیب داد.

مطالعات فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی

مدرسه سیار می تواند وسیله مؤثری برای شناخت خصوصیات و ابعاد فرهنگی ساکنان مناطق باشد. به طور مثال می توان وضعیت زندگی، ارزشها و اولویتهای ساکنان، تصور آنان از جامعه ای که در آن زندگی می کنند و خصوصیات و عادات زندگی ایشان را مورد پژوهش قرار داد. این اطلاعات بدون شک باعث شناخت عمیقتر محله های محروم حاشیه شهرها می شود و کمکی برای مسؤلان و مربیان در اتخاذ روشهای مؤثر برای پیشگیری از مشکلات و برنامه ریزی برای آموزش خاص مدیران و معلمان مناطق مورد نظر با توجه به نیازها و انتظارات خواهد بود.

منابع:

وسيلة مناسبی برای بررسی وضعیت ساکنان محله های حاشیه ای شهر باشد و به روشن شدن مسائل مختلفی در زمینه های زیر به عنوان موضوع تحقیق توجه نماید.

مطالعات مربوط به زبان و آموزش و پرورش: در این زمینه می توان مهارتهای کلامی ساکنان منطقه را که معمولاً دارای زبان و گویش های مختلفی هستند بررسی کرد و کمبودها و مشکلات گفتاری آنان را که مانع مشارکت فعال اجتماعی می گردد برطرف نمود و یا در مورد خزانه لغات و اصطلاحات مورد استفاده آنان تحقیق کرد. نتایج تحقیقات انجام شده به توسط محققان مدرسه سیار می تواند به تهیه و تدوین مواد خواندنی و نوشتاری مفید برای کمک به یادگیری بهتر ساکنان منطقه و تسلط آنان به زبان رسمی کشور منتهی شود.

تهیه این نوع مواد با توجه به نیازهای ساکنان، ممکن است معلمان مدارس منطقه را نیز به تفکر و اقدام برای تهیه ابزار و مواد آموزشی مناسب و اتخاذ روشهای متنوعتر برای پاسخگویی به نیازهای خاص دانش آموزان منطقه تشویق نماید. به همین ترتیب، مطالعات مختلف در مورد علل ترک تحصیل دانش آموزان منطقه ممکن است باعث

- 1 - MOLES, O. (1982), SYNTHESIS OF RECENT RESEARCH ON PARENT PARTICIPATION IN CHILDREN'S EDUCATION, EDUCATIONAL LEADERSHIP, 40, NO.2.
- 2 - TEDESCO, E. (1979): DES FAMILLES PARLENT DE L'ECOLE, TORNAL, CASTERMAN
- 3 - POURTOIS, J.P. LCOLL, (1980): EDUQUER LES PARENTS ON COMMENT STIMULER LA COMPETENCE EN EDUCATION ED. LABOR, EDUCATION, 2000.
- 4 - MONTANDON, C ET, PERRENOUD P.H., (1987) ENTRE PARENTS ET ENSEIGNANTS: UN DIALOGUE IMPOSSIBLE. ED. PETER LANG.